



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران  
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی  
صبا با علیرضا  
داوری کارگردان  
نمایش «حقایقی  
درباره لیلا دختر  
ادریس»

## آیین‌ها و اسطوره‌های جنوب در خدمت تئاتر معاصر

«دما» بوشهر استفاده کرده هر چند که داستان فیلم در شمال کشور اتفاق می‌افتد، همینطور از «برق جنوب» نیز الهام گرفته است. ما هم در همین راستا کوشیدیم به نمادها و نشانه‌های منطقه‌ای خود بُعد ملی و حتی فراملی بدهیم. مثلاً در کاربردی تازه‌تر از برق به عنوان ماسک استفاده کردیم و یکسری آئین‌های درمان را خلاصه‌سازی کرده تبدیل به فضای فرم کرده‌ایم و صرف همان اتفاق را روی صحنه نیاورده‌ایم چرا که در جهان تئاتر معاصر، همه چیز باید به سمت زیبایی‌شناسی پیش برود و این مسیر با اجرای آیینی اصیل تفاوت دارد. ما در فضای میدانی می‌توانیم خود آیین را به همان شکل اجرا کنیم، اما از نگاه من، در یک کار صحنه‌ای، آیین‌ها باید به سمت زیبایی‌شناسی حرکت کنند، زیرا جذابیت و اثرگذاری‌شان آئین در این است که در بستر طبیعی و منطقه‌ای خود اجرا شود و زمانی که می‌خواهیم آیین‌ها را وارد درام می‌کنیم، باید به جنبه زیباشناسی و حتی ظرفیت جهانی‌اش نیز بپردازیم. بر همین اساس، ما در این اثر عصاره و چکیده آیین‌های منطقه را استخراج کرده و آن را در قالبی زیباشناسانه ارائه دادیم تا هم اصالت بومی حفظ شود و هم بیان معاصر خود را پیدا کند.

وی در خصوص عدم حضور گروه‌های خارجی در این جشنواره بین‌المللی گفت: ما در این زمینه باید به چند نکته واقع‌بینانه توجه کنیم. نخست این که کشور ما در وضعیت خاصی قرار دارد؛ دوم، مسئله اقتصادی است که بدون تردید بر امکان حضور گروه‌های بین‌المللی تأثیرگذار بوده و سوم اینکه به نظر من ما باید برای هر جشنواره رویکرد مشخصی داشته باشیم. مثلاً در جشنواره فجر لازم است به سراغ رصد الگوهای مهم تئاتر جهان برویم و ارتباط خود را با جریان‌های بزرگ تئاتری در سطح بین‌المللی حفظ کنیم. اما جشنواره آیینی و سنتی به نظرم باید تمرکز خود را بر «جغرافیای ایران قدیم» بگذاریم. منظور از این جغرافیا، محدوده تاریخی ایران در دوران هخامنشی و پس از آن است؛ یعنی سرزمینی با پیشینه بیش از دو هزار و پانصد سال که دربرگیرنده مناطقی چون تاجیکستان، افغانستان، ارمنستان و بخش‌هایی از آسیای میانه بوده است. بنابراین، نگاه بین‌المللی جشنواره آیینی و سنتی می‌تواند بر پایه «احیای ایران بزرگ» شکل بگیرد. بدین ترتیب در واقع، ما در این جشنواره به معنای متعارف آن بخش بین‌المللی نداریم، بلکه داریم آیین‌ها و ریشه‌های فرهنگی سرزمین‌مان را احیا می‌کنیم. چنین نگاهی می‌تواند حامل «پیام صلح»، «پیوند فرهنگ‌ها» و «پیوند ایران بزرگ» باشد.

را نشان می‌دهد؛ گویی در ادامه و در پیوندی با «حقایق درباره لیلا دختر ادریس است» به همین دلیل، من در تلفیق این دو اثر، یک شخصیت زن، کهن و تاریخی شمشیر به دست را به اثر اضافه کردم که به نوعی الگو و مسیر راهی برای لیلای این نمایش است تا بتواند در مواجهه با مشکلات جامعه معاصر و نگاه مردانه‌ای که هنوز به زنان وجود دارد، ایستادگی کند. بنابراین بیش از آنکه بتوان آنرا یک اقتباس داستانی این کار نوعی بازنگری و نگارش تازه از فیلمنامه در قالب نمایشنامه بود که کاری بسیار دشوار است. من کوشیدم محتوای اصلی اثر حفظ و در عین حال زبان آن به روز شود و همچنان در راستای محتوای مد نظر استاد بیضایی باقی بماند. وی در خصوص نحوه آماده شدن اثر برای اجرا گفت: من به مدت یک سال این اثر در قالب یک کارگاه آموزشی کار کردم و به نظرم این امر یکی از ویژگی‌های خاص اثر است. من در این مسیر، تلاش کردم به اجراهای ده‌ساله استاد بیضایی در خارج از ایران توجه کنم تا دریابم ایشان از چه زاویه‌ای به آموزش و کار عملی می‌پردازند. تمام بازیگران این کار نخستین تجربه بازیگری‌شان را پشت سر می‌گذارند و حتی می‌توان گفت در تاریخ جشنواره آیینی و سنتی، این تجربه به نوعی یک ساختار شکنی محسوب می‌شود؛ زیرا برای نخستین بار است که تجربه یک کارگاه آموزش بازیگری به عنوان اثری نمایشی در جشنواره حضور پیدا کرده است. از دیگر ویژگی‌های مثبت این کار، تزریق گروهی از بازیگران تازه نفس به بدنه تئاتر استان هرمزگان و حتی کشور است؛ اتفاقی که به بهانه این پروژه رخ داده و دستاورد ارزشمندی به شمار می‌آید و سومین ویژگی آن نیز این است که کل مسیر، کاملاً بر پایه اصول آکادمیک، تجربی، آموزشی و به صورت اصول مند پیش رفته است.

داوری درباره ویژگی‌های این نمایش که آن را واجد شرایط شرکت در جشنواره آیینی سنتی کرده و استفاده از آئین‌های منطقه بندرعباس و هرمزگان در این نمایش اظهار کرد: ما با مبحثی تحت عنوان «اسطوره‌های موازی» و «آیین‌های موازی» داریم و بر همین اساس اختصاصی کردن یک رویداد کار دشواری است، زیرا همه چیز از گذشته‌ای مشترک ریشه گرفته و به همین دلیل می‌توان آن را در واقع «هویت ایرانی» و «هویت جنوب» نامید. ما در ساختار جنوب، مجموعه‌ای از المان‌ها و نشانه‌ها را داریم که خود آقای بیضایی در «چریکه تارا» از آن‌ها بهره گرفته بود و ما نیز از آنها استفاده کرده‌ایم. به عنوان مثال او از سازه‌های جنوبی مانند «سنج» و



مریم عظیمی  
گفت و گو

نمایش «حقایقی درباره لیلا دختر ادریس» به نویسندگی و کارگردانی علیرضا داوری کاری از استان هرمزگان است که پنجشنبه ۱۷ مهر ماه در دو سانس ۱۷ و ۱۹ در سالن چهارسوی تئاتر شهر و در غالب جشنواره نمایش‌های آئینی و سنتی اجرا می‌شود. علیرضا داوری که خود پژوهشگر حوزه آیین است این اثر را در غالب یک کارگاه آموزشی یکساله برای اجرا آماده کرده است.

علیرضا داوری در خصوص اقتباس از فیلمنامه «حقایقی درباره لیلا دختر ادریس» از بهرام بیضایی گفت: تمام تمرکز من از همان سال‌های ابتدایی فعالیت تئاتری‌ام تا امروز و در زمان‌هایی که در جشنواره فجر و جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی حضور داشتم، بر روی اساطیر، فرهنگ فولکلور و آیین‌های کشور بوده است. به همین دلیل، بهترین الگو و گزینه برای من همیشه بهرام بیضایی بوده است. هرگاه نامی از این اثر می‌آمد، ایشان با علاقه از آن یاد می‌کردند و در مصاحبه‌ها نیز وقتی از ایشان پرسیده می‌شد که دوست دارند چه اثری را کار کنند، نخستین گزینه همین فیلمنامه بود. من پس از مطالعه این اثر، دیدم که چقدر با شرایط روز و جامعه معاصر ما همخوانی دارد و با این که در سال ۱۳۵۴ نوشته و چاپ شده، هنوز هم امروزی است. یعنی دغدغه بزرگ زنان، از آن زمان تا امروز، همچنان حل نشده باقی مانده و با وجود آنکه جامعه به ظاهر پوست انداخته، اما در باطن، زنان سرزمین ما همچنان با همان چالش‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. در این نمایشنامه، شمشیری از پدر بزرگ اجدادی کاراکتر اصلی نمایش، یعنی «لیلا»، به او هدیه داده می‌شود. در ریشه‌های پژوهشی که انجام دادم متوجه شدم که این شمشیر در فیلم «چریکه تارا» نمود پیدا می‌کند و خود



نشریه  
فیلمو